

تقدیم به:

همه‌ی هنرورانی که چونان کُمیت اسدی و دعبیل خُزاعی، برای
گسترش فرهنگ تشیع - که همانا مکتب صلح و عدالت و آزادی
است - از جان و دل می‌کوشند و می‌خروشند و در ستیز با ستمگران و
زورمندان و زباندوزان هرگز نمی‌هراسند و شهادت را برترین راه
رهایی از این سرای خاکی می‌دانند.

سرشناسه	:	صحنی سردرودی، محمد، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	امام حسین (ع) و عاشورا در شعر فارسی: جلد اول: از ولادت تا حماسه عاشورا / محمد صحنی سردرودی.
مشخصات نشر	:	قم: پرتو خورشید، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	:	۸۱۶ ص.
شابک	:	دوره دو جلد ۲۹۰۰۰۰ ریال 978-964-2743-66-7
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	امام حسین (ع) و عاشورا در شعر فارسی: جلد اول: از ولادت تا حماسه عاشورا
موضوع	:	شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۹۰ ح ۶ / ۳۵ ح ۸۱۳۱ PIR
رده‌بندی دیوبی	:	۸۶۱ / ۶۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۰۵۲۰۹۳

امام حسین علیہ السلام وعاشورا

در شرف فارسی

جلد اول

از ولادت تا حماسه عاشورا

محمد صغتی سردرودی



انتشارات پرتو خورشید

نشانی: قم - خیابان صفائی، کوچه ۲۷، کوچه ۵، پلاک ۱۶۲
صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۵۵۷ - تلفن: ۹۱ - ۷۸۲۵۰۹۰ / تلفکس ۷۷۴۱۰۶۵ (۰۲۵۱)
همراه: ۰۹۱۲۵۳۸۸۰۸

امام حسین علیه السلام و عاشورا در شعر فارسی جلد اول: از ولادت تا حماسه عاشورا

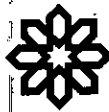
- ناشر: انتشارات پرتو خورشید
- مؤلف: محمّد صحتی سردرودی
- نمونه خوانان: سماته صحتی، فاطمه زهرا صحتی
- طراح جلد و صفحه آرا: مرتضی فتح‌اللهی
- لیتوگرافی: نویس
- چاپ: علوی
- نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۹۰
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- بها: دوره دو جلدی ۲۹۰۰۰ تومان
- کلیه حقوق محفوظ است
- شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۷۴۳ - ۶۶ - ۷



فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۲۵	 ● مطلع اوّل: فصل میلاد
۲۷	 میلاد سرخ آزادی
۴۸	 شب میلاد
۵۷	 روز میلاد
۶۷	 ● مطلع دوم: در تصنیف توّلا و توّسل
۶۹	 ذکر «یا حسین»
۸۳	 راز جاودانگی
۹۷	 ولای حسینی
۱۲۲	 دست دعا، چشم توّسل
۱۴۱	 ● مطلع سوم: در مکتب مولای رادمردان
۱۴۳	 حدیث حیرانی
۱۸۱	 سفیر بیداری
۱۹۵	 ماه محرم
۲۱۳	 سرشک شیدایی
۲۲۷	 ● مطلع چهارم: تشنه اندیشه
۲۲۹	 درس سرخ آزادی
۲۶۵	 پیام پایداری
۳۰۶	 از خم خیال تا فرات فکر
۳۵۳	 فلسفه قیام

۳۷۷	● مطلع پنجم: معنویت و عرفان امام حسین (ع)
۳۷۹	دعای عرفه
۳۸۵	اسماعیل عاشورا (علی اکبر (ع))
۴۲۳	حضرت علی اصغر (ع)
۴۴۸	عطف به عاطفه
۴۵۵	از زبان مادر
۴۶۱	● مطلع ششم: در عرش عشق و عرفان
۴۶۳	در وداع آخرین
۴۸۵	راز و نیاز پیشوای شهیدان (ع)
۵۰۹	با زبان عشق و عرفان
۵۷۹	● مطلع هفتم: فصل جهاد و حماسه
۵۸۱	در مسیر شهادت
۵۹۴	حماسه یاران
۶۰۸	حضرت خُزّ
۶۲۰	حبیب بن مظاهر
۶۲۸	عابس بن ابی شیب شاکری
۶۳۰	جون مولی ابی ذر
۶۳۶	عمرو بن جناده انصاری
۶۳۷	عون بن عبدالله بن جعفر
۶۳۹	قاسم بن حسن (ع)
۶۴۹	عبدالله بن حسن (ع)
۶۵۳	● مطلع هشتم: حماسه مهر و ماه
۶۵۵	اسطوره ایثار (ابوالفضل علمدار)
۷۱۵	حماسه حسینی
۷۴۳	حماسه عاشورا
۷۸۹	● ضمیمه: فهرست اعلام
۷۹۱	فهرست اشعار
۸۰۷	فهرست شاعران



مقدمه

ثنا و رثای امام حسین علیه السلام در شعر فارسی، قدمتی بس دیرینه دارد. متون ادبی، به ویژه شعر شاعران هرگز از نام و یاد پیشوای شهیدان بی بهره نبوده و این یادکرد هنرمندانه، همیشه بخشی از آثار مکتوب و ماندگار را به خود اختصاص داده و صفحات درخشان و فراوانی را برای مادر تاریخ ادبیات به یادگار گذاشته است.

تاریخ و تطوّر مرثیه سرایی

در اینجا برای این که سیر و تطوّر تاریخی مرثیه سرایی و شعر عاشورایی را نشان داده باشیم، تا آنجا که ممکن است به ترتیب تاریخی از مرثیه سرایان متقدّم نام می بریم و با اختصار به اشعار عاشورایی آنان می پردازیم:

۱. کسایی مروزی (متولّد ۳۴۱ و متوفای ۳۹۱ قمری) است که در قصیده بلندی به مطلع «باد صبا در آمد، فردوس گشت صحرا / آراست بوستان را نیسان

به فرش دیبا می گوید:

دست از جهان بشویم، عز و شرف نجویم مدح و غزل نگویم، مقتل کنم تقاضا
میراث مصطفی را، فرزند مرتضی را مقتول کربلا را تازه کنم تولا^۱
۲. ابوالمفاخر رازی، معاصر با محمد بن ملک‌شاه سلجوقی و پسرش مسعود شاه (۵۲۷-
۵۴۷ ق) همو که چکامه فاخر و بلندش در مدح امام رضا علیه السلام بسیار پر آوازه و شناخته شده
است، به مطلع:

بال مرصع بسوخت مرغ ملمع بدن اشک زلیخا بریخت یوسف گل پیرهن
ابوالمفاخر را نخستین نویسنده مقتل به زبان فارسی خوانده‌اند که کتابی با
عنوان مقتل الشهداء داشته است.^۲ سوگمندانه این مقتل نیز مثل بسیاری دیگر از
مقاتل از گزند روزگاران در امان نمانده و به دست ما نرسیده است، تنها بخشی
از اشعار آن را واعظ کاشفی در روضه الشهداء خویش آورده است. مانند آن که
در ترجمه نامه‌های کوفیان به امام حسین علیه السلام از ابوالمفاخر نقل می‌کند که چنین
سروده است:

هیچ رایی نیست ما را جز وصال روی تو هیچ داهی نیست ما را جز خم گیسوی تو
بر عدو بگشاکمین وز دوستان نصرت طلب ای نهاده حق تعالی فتح در بازوی تو^۳
و نمونه دیگر اشعاری است که ابوالمفاخر در ترجمه رجز ابوبکر بن علی علیه السلام - از
شهدای کربلا - سروده است:

شاه و برادر من است، اختر آسمان دین مهتر و بهتر زمان، قبله و قدوه زمین
لاله روضه صفا، گلبن باغ اصطفی چشم و چراغ مصطفی، میر و امام راستین
گوهر کان اجتبا، مهر سپهر اهتدی طره نشان طاو ها، چهره گشای یا و سین
من نه برادر و یم، خادم و چاکر و یم پیش دو دیده شما خارجیان ثیره دین
در گذر مخاصمت صاعقه اجل کمان بر فلک مقاومت، مشتری زحل کمین

۱. کسایی مروزی، زندگی، اندیشه و شعر او، ص ۶۵-۶۶. و ما متن قصیده را در همین کتاب (امام حسین علیه السلام و عاشورا در شعر فارسی) آورده‌ایم.

۲. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه ۳۲/۲۲.

۳. کاشفی، روضه الشهداء، ص ۲۰۵.

تحفه جان و دل به کف، آمده‌ام به درگهش دیده و رخ بر آستان، تیغ و کفن در آستین^۱
 ۳. سنایی غزنوی (۴۶۷-۵۲۹ق)

سنایی افزون بر آن که در مثنوی معروف خود (حديقة الحقیقه و شریعة الطریقه) به
 تفصیل در ستایش و شهادت امام حسین علیه السلام سخن گفته است^۲ قطعه‌ای در لعن و نفرین
 یزید و یزیدیان دارد که زیانزدِ خاص و عام است. ما نخست تنها شش بیت از مثنوی بلند
 او را نقل می‌کنیم که در مدح امام حسین علیه السلام گوید:

«أَصْلُهَا ثَابِتٌ» اشارت حق
 سوی این سروگفتمش مطلق^۳
 و در سرزنش گشندگان آن حضرت می‌گوید:

عالمی بر جفا دلیر شده	رویه مرده، شرزه شیر شده!
کافرانی در اول پیکار	شده از زخم ذوالفقار فگار
همه را بر دل از علی صد داغ	شده یکسر قرین طاعی و باغ
کین دل باز خواسته ز حسین	شده قانع به این شمات و شین
هر که بدگوی آن سگان باشد	دان که او شاه این جهان باشد ^۴

و آن قطعه معروفش در توبیخ بنی امیه - به خصوص در ذم معاویه - چنین است:

داستان پسر هند مگر نشنیدی که از او بر سر اولاد پیمبر چه رسید؟
 پدر او لب و دندان پیمبر شکست مادر او چگر عم پیمبر بمکید
 خود به ناحق حق داماد پیمبر بگرفت پسر او، سر فرزند پیمبر ببرید
 بر چنین قوم چرا لعنت و نفرین نکنیم لعنة الله یزیداً و علی حُب یزید^۵
 ۴. قوامی رازی (در گذشته پیش از ۵۶۰ قمری)

بدرالدین قوامی رازی چکامه بلندی در رثای سید الشهداء علیه السلام سروده بود که
 سوگمندانه تنها بخشی از آن مانده است (۵۹ بیت) که با مطلع زیر شروع می‌شود:

۱. همان / ۳۲۹-۳۳۰.

۲. حديقة الحقیقه / ۱۸۴-۱۸۹.

۳. همان / ۱۸۵.

۴. همان / ۱۸۸.

۵. دیوان حکیم سنایی غزنوی / ۶۲۲، بخش قطعه‌ها.

- روز دهم، ز ماه محرم، به کربلا
 ۵. ظهیر فاریابی (م ۵۹۸ ق)
 ظهیر در مقطع غزلی می‌گوید:
 ای ظهیر از گور نقبی می‌زنم تا کربلا
 می‌روم گریان به پابوس حسین تشنه لب^۲
 ۶. فرید الدین عطار نیشابوری (۵۵۳-۶۲۷ ق)
 عطار، آن «شاعر سفرهای روحانی» در جایی از آثارش سرور آزادگان و امام
 شهیدان را چنین می‌ستاید:

آن حسن سیرت، حسین بن علی	کست حق را و پیمبر را ولی
آن محمد صورتِ حیدر صفت	آفتاب آسمان معرفت
زانکه او سلطانِ ده معصوم بود	نه فلک را، تا ابد، مخدوم بود
شاهدِ زهرا، شهیدِ کربلا	قُرَّةُ العینِ امامِ محمبی
نیم‌گشته گشته سرگشته به خون	تشنه او را دشنه آغشته به خون
کآفتاب از دردِ آن شد زیرِ میغ	آن چنان سر، خودکه بُرد بی دریغ
خونِ گردون از شفق پالوده شد	گیسوی او تا به خون آلوده شد
کو محمد کو علی کو فاطمه؟	کی کنند این کافران با این همه
صف رده بینم به خاکِ کربلا	صد هزاران جسانِ پاکِ انبیا
سر بریندیش چه باشد زین بتر؟	در تموزِ کربلا، تشنه جگر،
آنکهی دعوی داد و دین کنند	با جگرگوشه‌ی پیمبر این کنند
قطع باد ازین زفانی کین شمرد	کفرم آید هرکه این را دین شمرد
لستم از حق بدو آید دریغ	هرکه در رویِ چنین آورد تیغ
کمترین سگ بودمی در کوی او	کاشکی ای من سگِ هندوی او
در جگر او را شرابی گشتمی ^۴	یا در آن تشویر آبی گشتمی

۱. دیوان شرف الشعراء بدرالدین قوامی رازی / ۱۲۵-۱۲۷.

۲. دیوان ظهیر فاریابی / ۱۸۷.

۳. زفان: زبان.

۴. عطار نیشابوری، مصیبت‌نامه / ۱۴۶ به تصحیح استاد شفیمی کدکنی.

و در جای دیگری سؤمین پیشوای معصوم علیه السلام را چنین می شناساند:

ای گوهر کانِ فضل و دریایِ علوم وز رای تو دُرّ درجِ گردون منظوم
بر هفت فلک ندید و در هشت بهشت نه چرخ، چو تو، پیشرو ده معصوم^۱
۷. مولوی، جلال الدین محمد بلخی (م ۶۷۰ ق)

عارف بزرگ شرق همو که می گوید:

آنک مردن پیش چشمش «تَهْلُکَه» است

امرِ «لَا تُلْقُوا» بگیرد او به دست!^۲

در راز و نیاز با ارواح شهیدان کربلا چنین داد سخن می دهد:

کجایید؟ ای شهیدانِ خدایی! بلا جوین دشتِ کربلایی
کجایید؟ ای سبکِ روحانِ عاشق! پرنده تر ز مرغانِ هوایی
کجایید؟ ای شهانِ آسمانی! بدانسته - فلک را در گشایی
کجایید؟ ای در زندانِ شکسته! بداده و امداران را رهایی
کجایید؟ ای در مخزنِ گشاده! کجایید؟ ای نوای بی نوایی!
در آن بحرید کاین عالم کفِ اوست زمانی بیش دار بند آشنایی
دلم کف کرد، کاین نقش سخن شد بهل نقش و به دل رو گرز مایی
بر آ - ای شمس تبریزی! - ز مشرق که اصلِ اصلِ هر ضیایی^۳
۸. اوحدی مراغه‌ای (۶۷۳ - ۷۳۸ ق)

اوحدا الدین مراغه‌ای آنجا که با روح رسول الله صلی الله علیه و آله به راز و نیاز می پردازد، آن حضرت را چنین سوگند می دهد:

به حدیثِ حیات پیوندت به جگر گوشگانِ دل‌بندت
به شهیدانِ کربلا ز فسوس به ستم کشتگانِ مشهد طوس^۴
و در قصیده بلند و بالایی که در ستایش کربلا و مزار پاک سید الشهداء علیه السلام سروده

۱. عطار نیشابوری، مختارنامه / ۹۰ به تصحیح استاد شفیع کدکنی.

۲. مثنوی معنوی بر اساس نسخه قونیه ۴۸۲/۲ به تصحیح عبدالکریم سروش.

۳. دیوان کبیر ۱۰۱۵/۲ به تصحیح توفیق سبحانی.

۴. دیوان اوحدی مراغی / ۴۸۹ به تصحیح سعید نفیسی.

است، به تفصیل آن حضرت را مدح می‌گوید و مطلع آن چکامه چنین است:

این آسمان صدق و در او اختر صفاست یا روضه مقدّس فرزند مصطفاست^۱

۹. مولانا حسن کاشی (از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم)

ملا حسن کاشانی آملی، معروف به «حسن کاشی» از شاعران پرآوازه شیعی است و هفت بند بسیار مشهور او، در طول هفت قرن گذشته همیشه نصب العین شعرای شیعه بوده است و بسیاری از ستایشگران آل عدالت^۲ به اقتضای آن دست به سرودن ترکیب‌بندهای رسا و ماندگاری زده‌اند که امروزه زینت افزای دواوین آنهاست. جای شکر دارد که به تازگی دو مجموعه از آثار مولانا حسن کاشی فرصت نشر یافته است. به این ترتیب که کتابی با عنوان «هفت بند هفتاد بند» شامل هفت بند حسن کاشی و مجموعه سیزده هفت‌بند و یک تخمیس و تضمین به اقتضای آن، به کوشش زنده‌یاد سعید هندی، توسط کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی چاپ شده است و دیگر این که بالاخره دیوان آن شاعر شیعی با عنوان «دیوان حسن کاشی» به کوشش سید عباس رستاخیز و توسط همان ناشر گفته شده منتشر گشته است. مولانا حسن کاشی قصیده‌ای در «مصیبت سیدالشهداء حسین^۳» دارد که بیت بیت آن می‌تواند عاشوراپژوهان را به کار آید:

ای دل! کنون که عاشر ماه محرم است	شادی مکن که نوبت شادیت در غم است
بر آل مصطفی به ارادت بنال زار	گر در سحاب دیده تو را قطره‌ای نم است
قبریت ز گریه جوی که ریش گناه را	پیش خدای گریه امروز مرهم است
قاصر مشوز گریه که از جان فرو نماند	امروز هرکه قوت ایمانش محکم است
خورشید دین به مقتل محنت کسوف یافت	تا دیده سپهر شریعت مقوم است
از ناودان دیده کعبه در این عزّا	بر روی خاک مگه همه آب زمزم است
قید سپهر راستی امروز در جهان	از بار این مصیبت هایل شده خم است
گردون کبود جامه شد و مه سیاه‌پوش	یعنی که روز مقتل خورشید اعظم است
ای اشهب سپهر! بریز از عیون تو خون	کاندر فلک مصیبت سالار عالم است

۱. همان ۶-۴. و متن قصیده در این کتاب، در باب کربلا (مطلع پایانی) آورده شده است.

مقصود آفرینش چرخ مخیم است
 کز نور مصطفی همه آفاق مظلّم است
 کز اهل شام، سینه آن ماه در هم است
 کز زخم تیغ، میر عرب را روان دم است
 بسته فراز نیزه خطیّ چو پرچم است
 آن کز شرف خلاصه اولاد آدم است،
 از جوهر شریعت دانش مقوم است،
 چون مرغ نیم بسمّل موقوف یک دم است
 پیکان آبدار و لب تشنه با هم است
 کاین آستان فضل به نامت معلّم است
 مظلوم و زار و بی کس و بی یار و همدم است
 حلقی که بوسه گاه رسول مکرم است
 این نیز هم نتیجه ظلم مقدّم است
 کان شاه شرع خسته ز شمشیر ملجم است
 کاسفندیار خسته ز بازوی رستم است

کاشی طریق شاعری امروز در جهان

دانند اهل دین که دلت را مسلم است^۱

۱۰. خواجوی کرمانی (۶۸۹-۷۵۳ ق)

خواجوی کرمانی بندی از یک ترکیب بند خود را به مدح امام حسین علیه السلام مخصوص

ساخته و چنین به سخن سرایی پرداخته است:

با دامنی پر از گهرش بود مشتری
 خسرو نشان صوفی و سلطان حیدری
 انوار ایزدی و صفات پیغمبری
 در خویش غرقه گشته ز پاکیزه گوهری

آن گوشوار عرش که گردون جوهری
 درویش ملک بخش و جهاندار خرقه پوش
 در صورتش معین و در سیرتش مُبین
 در بحر شرع لؤلؤ شهوار و همچو بحر

افسار کرده خُزَ یزیدش به بندگی خط باز داده روح امینش به چاکری
لب خشک و دیده تر شده از تشنگی هلاک وان که طفیل خاک درش خشکی و تری
از کربلا بدو همه کرب و بلا رسید آری همین نتیجه دهد ملک پروری^۱
و در بندی از یک ترکیب بند دیگری گوید:

به حلق تشنه آن رشک غنچه سیراب که رخ به خون جگر شوید از غمش عتاب
شه دو مملکت و شهنشاه مضماری مه دوازده برج و امام شش محراب
فروغ جان رسول و چراغ چشم بتول بهار عسرت و نوباوه دل اصحاب
حدیث مقتل او گر به گوش کوه رسد شود ز خون دل، اجزای او عقیق مذاب
و گر سپهر برد نام، آتش جگرش کند به اشک چو پروین ستارگان را آب
به کربلا شد و کرب و بلا به جان بخريد

گشود بال و از این تیره خاکدان بهريد^۲

۱۱. ابن یمن فریومدی (ح ۶۸۵ - ۷۶۹ ق)

ابن یمن که بیشتر شاعری قطعه سرا شناخته می شود، «داستان دادخواهی فاطمه زهرا (ع)»
را در مثنوی کوتاهی به رشته نظم کشیده و در پایان آن، کُشندگان امام حسن و حسین (ع)
را لعن و نفرین می کند و از خواننده اشعارش نیز می خواهد که با او هم صدا باشد:

الا ای خسرمنی پاکیزه رای! به نفرین ایشان، زبان برگشای!

و ز آن تو ز یزدان جان آفرین بسیابی جزایش بهشت برین^۳

۱۲. سلمان ساوجی (متوفای ۷۷۸ ق)

جمال الدین سلمان ساوجی، نویسنده و شاعر پر آوازه ای است که در رثای سالار
شهیدان (ع) چکامه ای را در سی و چهار بیت سروده و مطلع آن چنین است:

خاک، خون آغشته لب تشنگان کربلاست

آخر ای چشم جهان بین! اشک خونین ات کجاست؟

۱. دیوان اشعار خواجو کرمانی / ۱۳۰ - ۱۳۱ به تصحیح احمد سهیلی خوانساری.

۲. همان / ۶۱۶.

۳. دیوان اشعار ابن یمن / ۵۸۰ به تصحیح احمد سهیلی خوانساری.

که در ضمن آن می‌گوید:

کوری چشم مخالف، من حسینی مذهبم

راه حق این است نشویم نهفتن راه راست^۱

۱۳. ابن حسام خوشفی (۷۸۳-۸۷۵ ق)

ابن حسام سه قصیده فاخر در مدح و مرثیه امام حسین علیه السلام دارد که قصیده نخست به مطلع زیر است:

فندیل آفتاب کز او عرش را ضیاست تاب شعاع روضه مظلوم کربلاست
که در ضمن آن می‌گوید:

تطهیر اهل بیت به قرآن مبین است آخر بین که پایه این منزلت که راست؟
و مقطع آن را چنین می‌سراید:

«ابن حسام» اگر چه به حسان نمی‌رسد حسان صفت به مدحت تو منقبت شراست
شاید که بر کتابة فردوس برکشند رمزی که در کتابت این نظم دلگشاست
و قصیده دوم در مقتل الشهداء علیهم السلام به مطلع زیر است:

ای باد صبحدم! خبر یار من بیار دانی چه خوش بود خبر یار من، بیار!
تا می‌رسد به آنجا که می‌گوید:

از خاک کربلا که بلا بر بلاست آن تسکین درد و داغ دل پر حزن بیارا
و چکامه سوم در ستایش سید شهیدان علیه السلام به این مطلع است:

دلم شکسته و مجروح و مبتلای حسین طواف کرد شبی گرد کربلای حسین
که در ضمن آن می‌گوید:

حسین را تو ندانی، خدای می‌داند کمال منزلت و عزت و علای حسین...
غبار گرد مناهی به دامنش نرسید ز عصمت گهر پاک پارسای حسین...
اگر رضای خدا و رسول می‌طلبی متاب روی ارادت تو از رضای حسین

۱. کلیات سلمان ساوجی / ۴۰ به تصحیح مهرداد اوستا؛ کلیات سلمان ساوجی / ۳۳ به تصحیح عباسعلی وفائی با اندکی اختلاف که همه قصیده را می‌توانید در متن کتاب حاضر بخوانید. شگفت این که همین قصیده در دانشنامه شعر عاشورایی ۲ / ۷۷۰-۷۷۱ در میان ترکیب‌بندی از خواجوی کرمانی آورده شده است! و سپس نیمه دوم آن در بخش سلمان ساوجی به صورت قطعه آورده شده است!!

مطیع رای تو رضوان بُود اگر باشی به اعتقاد چو رضوان، مطیع رای حسین^۱
 ۱۴. خیالی بخارانی (حدود ۸۵۳ ق)

این شاعر که بیشتر با آن غزل معروفش شناخته می‌شود که گوید: «ای تیر غمت را دل
 عشاق نشانه / خلقی به تو مشغول و تو غایب ز میانه» در ضمن قصیده‌ای که آن را در
 ستایش حضرت رسول ﷺ سروده است از مظلومیتِ امام حسن و حسین (ع) یاد می‌کند و
 چنین می‌گوید:

دشمنان بسا تو جفا کرده ز عین گمرهی
 تو به ایشان در جزای آن نکرده جز وفا
 عاقبت روزی به محشر تا چه گل‌ها بشکند
 زان دو شاخ گل که بشکفت از ریاض لافتا؟
 می‌رود لب خشک و کف بر رو، زبان پیوسته خشک
 در غیم و اندیشه لب تشنگان کربلا
 آسمان جامه کبود و شب سیه‌پوش از چه روست
 گسسته‌اند از ماتم آل عبا، جفتِ عنا؟
 آب را آن دم ز چشم انداختند اهل نظر
 کز عطش خون شد دل نورین چشم مرتضا^۲

۱۵. پیر جمال اردستانی (متوفای ۸۷۹ ق)

در بندی از یک ترجیع‌بند بلندی که دارد چنین می‌گوید:

دل که در او مهر پیمبر بُود مخزن گسجینه حیدر بُود
 مهتری هر دو جهان یافت آنک خاک ره خواجه قنبر بُود...
 عشق ولیکن وطنش کربلاست هر که حسینی ست بلا بر بُود
 آیتِ لاخوف و لایحزنون در حق مردان دلاور بُود^۳

۱. دیوان محمد بن حسام خوشفی به تصحیح پیرچندی و سالک / ۲۲۵، ۲۳۲ و ۲۲۳.

۲. دیوان خیالی بخارانی / ۲۲ به کوشش احمد کرمی.

۳. دیوان پیر جمال اردستانی / ۶۵، ۶۶ به تحقیق مرعاشی.

و در قالب یک رباعی می‌گوید:

هر که که نجف به عشق دل یاد کنیم جان و دل و تن، ز غصه آزاد کنیم
هر دم که به کربلا به جان سر بنهیم دل زنده شویم و جان و دل، شاد کنیم^۱
و در جای دیگری در مثنوی بلندی به «حدیث شه کربلا» می‌پردازد که در اینجا مجال
نقلش نیست.^۲

۱۶. ملا عبدالرحمان جامی (۸۱۷-۸۹۸ ق)

نورالدین عبدالرحمان بن احمد جامی با غزلی که حاکی از زیارت کربلاست، چنین
می‌سراید:

کردم ز دیله پای سوی مشهد حسین هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین
خدّام مرقش به سرم گر نهند پای حقّا که بگذرد سرم از فرق فرقدین
کعبه به گرد روضه او می‌کنه طواف ز کبّ الحَجِجِ اَیْنَ تَرُوخُونِ اَیْنَ اَیْنَ
از قاف تا به قاف پُر است از کرامتش آن به که حبله جوی کند ترک شید و شین
آن را که بر عذار بُود جعد مشکبار از موی مستعار چه حاجت به زیب و زین
جامی گدای حضرت او باش تا شود با راحت وصال مبدل عذاب بین
می‌ران ز دیده سیل که در مشرب کریم باشد قضای حاجت سایل ادای دین^۳
۱۷. بابا فغانی شیرازی (متوفای ۹۲۵ ق)

بابا فغانی افزون بر ترکیب‌بندی که آن را در مرثیه امام حسین علیه السلام و در شش بند سروده
است، قصیده‌ای نیز در مدح و منقبت امام حسن و حسین علیه السلام دارد با مطلع زیر:
تا به آینه دل، طوطی جان در سخن است

همدم جان و دلم ذکر حسین و حسن است^۴

۱۸. اهلی شیرازی (۸۵۸-۹۴۲ ق)

۱. همان / ۱۸۸.

۲. ر.ک: پیر جمال اردستانی، شرح الکنوز و بحر الرموز، ص ۲۸۴ تا ۲۹۰، به تصحیح امید سروری.

۳. دیوان جامی ۱/ ۱۸۱ به تصحیح اخلاص خان افصح‌زاد، دفتر نشر میراث مکتوب.

۴. دیوان اشعار بابا فغانی شیرازی به تصحیح احمد سهیلی خوانساری / ۱۶- ۱۷ و ترکیب‌بند در ص ۵۷ به بعد است که ما
متن قصیده را در کتاب امام حسن مجتبی علیه السلام در شعر فارسی و متن ترکیب‌بند را در همین کتاب آورده‌ایم.

اهلی هفت قصیده در مرثیه امام حسین علیه السلام دارد که ما شش قصیده از آنها را در متن همین کتاب آورده‌ایم و چند بیت برگزیده هم از آن یکی قصیده چنین است:

ماه محرم است و شد دجله روان ز چشم ما

بهر حسین تشنه لب، شاه شهید کربلا
تشنه لبان کربلا روی به خاک و تن به خون

ما پی آبروی خود، خاک بر آبروی ما...
از پی جیفه جهان، خون حسین ریختند

لغت حق بر آن سگان، سگ نکند چنین جفا
گرچه سگ آشنا شود، سگ صفت آشنا نشد

دوست نمی شود به کس، دشمن آل مصطفی...
وای بر آن دلی که او می طلبد وفای چرخ

خاک بر آن سری که او تکیه کند به این سرا
آن که حسین می کشد دعوی دین چه می کند

شمر لعین رو سیه شرم ندارد از خدا
هست حسین تشنه لب، خضر کجاست در جهان؟

آب حیات مؤمنان، تشنه جگر بُود چرا؟
روز عزاست ای پسر سعی صفا چه می کنی

کعبه سیاه پوش شد، رفت ز مروه هم صفا...^۱
۱۹. فهمی استرآبادی (از شاعران قرن نهم و دهم)

فهمی مرثیه‌ای در قالب غزل دارد به این ترتیب:
خوشا دمی که کنم ناله در هوای حسین

چو ابر اشک فشان گردم از برای حسین
میان خاک نشینان به آبرو گردد

جواب هر که نهد رو به خاک پای حسین

بهای خون سگش نیست وجه هر دو جهان
 جهان چگونه دهد وجه خون‌بهای حسین
 ز ظلمت شب تاریک و رنگ سرخ شفق
 سیاه و سرخ شده چرخ در عزای حسین
 زمین حشر شود کربلای اهل جزا
 ز خوف ریختن خون و ماجرای حسین
 هزار جان گرامی فدای آن کس باد
 که کرد جان گرامی خود فدای حسین
 مکن حدیث قیامت به کربلا «فهمی»
 نشانه‌ایست قیامت ز کربلای حسین^۱
 ۲۰. منصور حافظ (از شاعران قرن نهم هجری)

منصور حافظ شیرازی که همه دیوانش (قریب به هزار غزل و قطعه) در ستایش رسول
 خدا ﷺ است و در ضمن به مدح علی و آل علی نیز به وفور توفیق یافته است. در غزلی
 می‌گوید:

من خاک پای حیدر و اولاد و عترتم	پیوسته نیکخواه و دعاگوی دولتم
دادم خطی برای غلامی به اهل بیت	این بود سرنوشت ز دیوان فطرم
هر دم سر یزیدی سگ بشکنم به سنگ	بخشیده بازوی اسدالله قوتم
بر دشمنان شاه ولایت مظفرم	داد «أَنَّمَا وَلَّيْكُمْ اللَّهُ» نصرتم
از بهر خلق دشمن اصحاب کربلا	تیغ چو آب دارم و موقوف فرصتم
ای ختم انبیا قدمی بخش محکم	وی ماه اولیا مددی ده به همتم
سر می‌کنم فدای شهیدان کربلا	منصور اگر چنان که دهد عمر مهلت ^۲

در اینجا به همین بیست شاعر بسنده می‌کنیم که از سده نهم به بعد، مرثیه‌سرایان
 عاشورایی و ستایشگران امام حسین ﷺ بسیار پر شمارند و مشکل می‌توان دیوانی یافت که

۱. دیوان فهمی استرآبادی / ۲۴۴ به تصحیح محمد حسین کریمی.

۲. دیوان منصور حافظ / ۳۵۱-۳۵۲ به اهتمام سید احمد بهشتی شیرازی.

در آن نام و یادی از امام حسین علیه السلام و کربلا و عاشورا دیده نشود و ما تا آنجا که توفیق رفیق راهمان بوده در این کتاب به آنها رسیده‌ایم و هریک از شعرها را با ثبت نام شاعرش در جای خود آورده‌ایم.

پیشینه پژوهش

نویسنده این سطور، کارهایی را در دو حوزه عاشورا پژوهی و ادبیات فارسی بسامان ساخته‌ام که از آن میان، کتاب‌های زیر تاکنون فرصت چاپ و نشر یافته‌اند:

الف. در حوزه عاشورا پژوهی

۱. سیمای کربلا (تاریخ شهر کربلا با نگاهی به حماسه عاشورا)
۲. سیمای دمشق (تاریخ شهر دمشق با نگاهی به زندگانی حضرت زینب علیها السلام)
۳. شهید فاتح در آینه اندیشه
۴. تحریف‌شناسی عاشورا و تاریخ امام حسین علیه السلام
۵. مقتل الحسین علیه السلام به روایت شیخ صدوق
۶. عاشورا پژوهی؛ با رویکردی به تحریف‌شناسی تاریخ امام حسین علیه السلام
۷. گزیده‌ای از عاشورا پژوهی
۸. چهل حدیث کربلا به ضمیمه قدیمی‌ترین و دقیق‌ترین متن زیارت عاشورا
۹. اکبرانه‌های عرفانی
۱۰. شیوه‌نامه عاشورا پژوهی (اصول و مبانی تحقیق در تاریخ امام حسین علیه السلام)

ب. در حوزه ادبیات فارسی

۱. غدیریه‌های فارسی از سده چهارم تا چهاردهم
۲. شادنامه چهارده معصوم علیهم السلام
۳. سوگنامه چهارده معصوم علیهم السلام
۴. محمد صلی الله علیه و آله در شعر فارسی
۵. فاطمه زهرا علیها السلام در شعر فارسی
۶. امام علی علیه السلام در شعر فارسی

۷. امام حسن مجتبیٰ علیه السلام در شعر فارسی

۸. عاشورا عشقینده (مجموعه شعر ترکی آذری)

و «امام حسین علیه السلام و عاشورا در شعر فارسی» نهمین کتاب از این دست آثار است که اینک فرصت نشر می‌یابد و کتاب «دانشنامه شعر غدیر خم» کار دیگری است که آماده نشر است.

از انتخاب تا انتخاب

معیارهایی را که در گزینش اشعار لحاظ کرده‌ایم، پیشتر در مقدمه کتاب شادنامه بر شمرده‌ایم و تکرار را در اینجا روا نمی‌دانیم که خواننده فهیم و نکته‌سنج خود با مطالعه کتاب به آنها پی خواهد برد. تنها این نکته را یادآوری می‌کنیم که با دیدی تحریف‌شناسانه به گزینش آثار و اشعار پرداخته‌ایم و از زیان‌حال‌هایی که مفهوم آنها با زبان قال‌های امام حسین علیه السلام و یارانش - یعنی سخنان آن بزرگواران - در تضاد بود و یا حاوی اخبار ساختگی و تحریف‌های شناخته شده بود به شدت روی بر تافته‌ایم و برای همین هدف بود که بسیاری از اشعار را نیاورده‌ایم و یا بیت‌های تحریف‌آمیز را با تلخیص آنها از لابه‌لای چکامه‌ها و چامه‌ها برداشته و دور انداخته‌ایم و با آوردن آدرس هریک از شعرها از منابع اصلی آنها، راه را به روی پژوهشگران و عاشوراپژوهان باز گذاشته‌ایم تا با مراجعه به مآخذ اشعار، خود به تفاوت کار پی ببرند.

نگارنده از بیست و اندی سال پیش همیشه هنگام مطالعه کتابها - از مجموعه شعرها گرفته تا تذکره‌ها و جنگ‌ها، حتی مجله‌ها و نشریه‌ها - قلم در دست داشته‌ام و در حاشیه اشعاری که می‌خواندم همیشه علامت‌هایی مثل «ج = جالب؛ ع = عالی؛ ض = ضعیف» می‌نهادم که با مراجعات مکرری که داشته‌ام در زمان‌های مختلف با دیدهای متفاوتی هم به آنها نگریسته‌ام و اگر بگویم بیش از ده بار اشعار عاشورایی را غربال کرده‌ام، هرگز دروغ نگفته‌ام و صد البته معنای این سخن آن نیست که تصوّر شود پس همه اشعاری که در این مجموعه آورده شده است در حد کمال و عاری از نقص و نقصان می‌باشند بلکه برعکس، ممکن است شعری تحریف‌آلود نیز از چشم ما افتاده و در این کتاب راه یافته

باشد. به هر حال تا آنجا که توانسته ایم ماسعی خود را به کار برده ایم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

و دیگر این که از تنگ نظری و یک بُعدی نگری نیز به شدت دوری جسته ایم، با این که با تشنگی دنبال اشعاری معناگرایانه بوده ایم از آثار حماسی، حتی احساسی و عاطفی موقفی هم هرگز رخ برنناخته ایم و همیشه عنوان عام کتاب - یعنی «امام حسین علیه السلام و عاشورا در شعر فارسی» - را در نظر داشته ایم تا کار جامع و مفیدی کرده باشیم.

ترتیب و تنظیم کار

این کتاب در یک مقدمه و دوازده فصل و یک خاتمه (مطلع پایانی) تنظیم و تدوین شده است. به این ترتیب که نخست در مقدمه، تاریخ و تطوّر مرثیه سرایی در شعر فارسی - از سده چهارم تا نیمه نخست سده دهم - نشان داده شده است که شامل بیست شاعر (از کسایی مروزی تا فهمی استرآبادی) می شود و سپس متن کتاب به ترتیب تاریخ و زندگانی امام حسین علیه السلام و فاجعه عاشورا و پیامدهای آن تألیف گردیده است، یعنی مطلع اوّل با عنوان «فصل میلاد» در سه بخش از «میلاد سرخ آزادی»؛ «شب میلاد» و «روز میلاد» سخن می گوید و مطلع دوم با نام «در تصنیف تولّو و توسّل» از «ذکر - یا حسین -»؛ «راز جاودانگی»؛ «مهر و ولای حسینی» و «دست دعا و چشم توسّل» سخن سر می دهد و پس از آن، مطلع سوم با عنوان «در مکتب مولای رادمردان» از مناقب و مدایح امام حسین علیه السلام و مسلم بن عقیل و ماه محرم و بکا و تباهی با عنوانهای «حدیث حیرانی»؛ «سفیر بیداری» (مسلم بن عقیل)؛ «ماه محرم» و «سرشک شیدایی» سخن می گوید.

پس از آن، مطلع چهارم را داریم که «تشنه اندیشه» نام دارد و خود بخش های چهارگانه «درس سرخ آزادی»؛ «پیام پایداری»؛ «از خم خیال تا فرات فکر» و «فلسفه قیام» را شامل می شود و سپس مطلع پنجم در «معنویت و عرفان امام حسین علیه السلام» است که در پنج باب از «دعای عرفه»؛ «اسماعیل عاشورا» یعنی علی اکبر علیه السلام؛ و «حضرت علی اصغر علیه السلام» با «عطف به عاطفه» و «از زبان مادر» سخن سر می دهد تا عرفان (عشق حقیقی و احساس برین) و عواطف انسانی را تا حدودی که ممکن است

در کنار هم به تماشا بگذارد.

در ادامه مطلع ششم تحت عنوان «در عرش عشق و عرفان»، در سه بخش «در وداع آخرین»؛ «راز و نیاز» امام حسین علیه السلام با حضرت سبوحان؛ و «با زبان عشق و عرفان» تألیف شده است و بعد مطلع هفتم یعنی «فصل جهاد و حماسه» در ده بخش جداگانه تدوین یافته که به این ترتیب است: ۱. «در مسیر شهادت»؛ ۲. «حماسه یاران»؛ ۳. «حضرت خُر»؛ ۴. «حضرت حبیب»؛ ۵. «عباس بن ابی شیب»؛ ۶. «جَوْن مولی ابی ذر»؛ ۷. «عمرو بن جنادة انصاری»؛ ۸. «عون بن عبدالله»؛ ۹. «قاسم بن حسن علیه السلام»؛ ۱۰. «عبدالله بن حسن علیه السلام» و سپس مطلع هشتم است با عنوان «حماسه مهر و ماه» که حماسه سردار کربلا، ابوالفضل العباس و حماسه حسینی علیه السلام را از منظر شاعران و سخن سرایان نازک اندیش و نکته سنج به روایت نهشته است.

مطلع نهم «فصل عاشورا» نامیده شده است که در پنج بخش «شب عاشورا»؛ «روز عاشورا»؛ «ظهر عاشورا»؛ «عصر عاشورا» و «شام غریبان» را در قالب های رنگارنگ و ماندگاری گزارش می کند و مطلع دهم «با نای نی از نینوا» نام دارد که در سه بخش، از «حدیث غربت»؛ «نی نامه نی نوایی» و «از عاشورا تا اربعین» سخن می گوید و در پی آن، مطلع یازدهم با نام «پیام آوران عاشورا» از مفسر عاشورا «امام سجاد علیه السلام» و صدای عاشورا «حضرت زینب علیه السلام»؛ «در خطه خطبه ها و خطابه ها» و بالاخره از «دختران شهادت» سخن به میان می آورد و مطلع دوازدهم «فصل مرثی» است که «سوگنامه های برگزیده»؛ «از زبان زینب علیه السلام» و «از میان ترکیب بندها» را در بر می گیرد و در خاتمه، مطلع پایانی با نام «از کتاب کربلا تا عدالت موعود (عج)» است که «چامه ها و چکامه های کربلایی» را به اختصار بسیار بیشتری شامل می شود.

پر پیدا است که جای بسیاری از اشعار در این مجموعه خالی است، چرا که افزون با گزینش های پی در پی که گاهی با وسواس بیشتری هم همراه بود، پس از پایان کار نیز فصل های مربوط به حضرت علی اکبر و ابوالفضل العباس و امام سجاد علیه السلام و زینب کبری کنار گذاشته شد و در این چهار باب، تنها اشعاری که ارتباط حسینی و عاشورایی آنها می چربید، برگزیده شدند تا هریک از آنها به صورت مستقل در کتابی جداگانه منتشر

شوند و نیز فصل مربوط به مرثی هم به نصف بلکه کمتر از آن تقلیل یافت که مرثی به ویژه ترکیب بندهای عاشورایی خود کتابی مستقل و قطوری است. باشد که در آینده به حول و قوهٔ الهی آنها نیز به ترتیب تاریخی تدوین و فرصت نشر یابند که هر کاری را که او بخواهد، به حتم همان می‌شود.

شکر و سپاس

در پایان جا دارد که از همهٔ همکاران و همراهان در این کار سترگ - از حروف نگاران گرامی گرفته تا آماده‌سازان و چاپگران محترم و هنرمند - از صمیم دل سپاس‌گزار باشم و از ناشر هنرپوری که هزینه‌های این سلسله کارهای هنری را از سر دانش دوستی و ادب‌دانی و عشق و علاقهٔ شععی پذیرفته است، کمال امتنان را داشته باشم، امید که این کارها لحظه به لحظه از نواقص بکاهد و به پیمودن سریع و درست کمال و تعالی واداران سازد، زیرا اگر چه بیت زیر را همیشه نصب العین خویش ساخته‌ایم:

گرچه وصالش نه به کوشش دهند آن قدر، ای دل که توانی بکوش
باز اما به زیبایی می‌دانیم که:

اگر از جانب معشوق نباشد کششی کوشش عاشق بی‌چاره به جایی نرسد
و از این روست که عاجزانه به حضرت دوست - سبحانه و تعالی - عرض می‌کنیم:
خدایا چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی و ما رستگار

آمین یا رب العالمین!

محمد صحتی سردودی

۸۹/۹/۹ - قم